

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طـــــــنــــن

تیمورشاه تیموری
المان - 25 اگست 2011

یک خاطره

خاطره ای را که درینجا مینویسم در دو قسمت ذکر میگردد. قسمت اول از دیروز و قسمت دوم آن مربوط به در حدود 60 سال قبل است. دیروز جناب معروفی صاحب تیلیفون کردند و گفتند در غزل « سر بردآمده» شما مصراع اول بیت نهم آنرا فهمیده نتوانستم، لطفاً آنرا بازخوانی کنید. خواندم که "نی ابا نی قبا نه ریشم هست". فرمودند که کلمه "ابا" به حرف عین نوشته میشود، هرگاه به الف نوشته شود، خاصاً درین بیت مفهوم مراد را اداء کرده نمیتواند. به گفته‌شان موافقت کردم که البته آنرا بدین قسم خوانده اید « نی عبا نی قبا نه ریشم هست ».

اکنون سؤال وارد میشود که این کلمه را چرا به "عین" نوشته نکرده و به الف نوشته کرده ام؟ دلیل و سبب آن اینست که من از الف بسیار خوشم می آید؛ الف راست و مستقیم است، کجی و کوری را نمی پذیرد، صاف روشن و بی آرایش است. ازین راستی و استقامت او در همه جا در صنعت و در طبیعت استفاده گردیده، بی غل و بی غش است، حتی از نقطه عار دارد، آنقدر صاف و مستقیم است که شعرای دری زبان قامت دلدار را به آن تشبیه کرده اند و شروع آیات آسمانی قرآن به الف است. بنابراین من زیر تأثیرات درونی خویش "عبا" را به الف "ابا" نوشته ام خواه معنی بدهد، خواه ندهد. اما اذعان میکنم که این کار را نفهمیده کرده ام و اگر در عالم فهمیدگی میبودم ابداً این کار را نمیکردم و حرف الف محبوب و دوست خود را در کنار عبا و قبا و ریشم که از هر سه آن نفرت شدید دارم، جای نمیدادم، برای "عبا" همان "ع" "کج و کج رفتار" و یک نقطه کم "غدار" بسیار مناسب است.

قسمت دوم :

تقریباً 60 سال قبل مضمونی در باره مواد خواب آوری که توسط مادران به اطفال شان داده میشد که تا خوب بخوابند و این مواد بشکل گولی و یا پودر خورنده میشد و از تریاک و دیگر مواد مخدر مرکب میبودند و برای اطفال زهر قاتل است و امروز و در همین حالا در مملکت ما بشکل وافر جریان دارد - مضمونی در جریده هفته وار "بیدار" مزار شریف نوشتیم که عنوان آن مضمون "حب خواب" یعنی "گولی خواب" بود و من آنرا نیز نظر به محبوبیت و احترامی که به "الف" داشتیم، "اب خواب" نوشته بودم.

چند روز بعد وقتی باری به اداره بیدار رفتم مرحوم عبدالصمد جاهد مدیر جریده با مهربانی خاصی بطرفم دید و گفت:

« خدا ترا انصاف دهد با کلمه "اب خواب". ساعت ها مرا سرگردان کردی تا بالاخره فهمیدم که مقصودت "حب خواب" یعنی "گولی خواب" بوده.»

جناب معروفی صاحب زیاد سرگردان نشد و همینکه گوشک را برداشت موضوع بنزدش حل گردید، اما تا آن زمان که معروفی صاحب این سطور را نخواند و از الفت و محبت من به حرف "الف" واقف نشود، میدانم که قانع نمی شوند، ولی من به معروفی صاحب هوشدار میدهم که بعد ازین در هر جا که حرف "عین" بیاید نظر به احترامی که من به حرف "الف" دارم به الف نوشته میکنم، ولو در کلمه "عذاب" باشد که سالها مردم ما به آن مبتلاست، به مسؤولیت خود "اذاب" نوشته میکنم، معروفی صاحب اختیار دارند.